

## بررسی دیدگاه آیت الله خوئی در حکم نگاه مرد به زن نامحرم، به قصد ازدواج، با تأکید بر آیات و روایات اسلامی

عذرا سادات لطیفی حسینی<sup>۱</sup>، محمد مهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته سطح سه (کارشناسی ارشد) فقه و اصول، مدرّس ادبیات عرب، منطق و اصول فقه حوزه علمیه خواهران بوشهر، پژوهشگر و فعال فرهنگی

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری علوم و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر (نویسنده مسئول)

### چکیده

با توجه به اهمیت ازدواج و نظام مقدّس خانواده و حفظ آن، نگاه به قصد ازدواج از حکم اولیه حرمت نگاه به نامحرم استثنا شده و فقها حکم به جواز آن داده‌اند که در اصل جواز این مسأله بین فقها اختلافی نیست، ولی به دلیل اختلاف روایات این باب، فقها در محدوده و شرایط این نگاه اختلاف نظر دارند که در این مقاله سعی شده به روش توصیفی-تحلیلی پس از ذکر آراء و اقوال فقها و همچنین شرایط و زمان این نگاه به مبانی فقهی مورد استناد در این مسأله از دیدگاه آیت الله خویی پرداخته شود؛ نتیجه مجموعه مباحث مطرح شده در این نوشتار حکم جواز نگاه مرد به زنی است که قصد ازدواج با او را دارد؛ هرچند در محدوده نگاه بین فقها اختلاف است که سه نظریه در بیان محدوده نظر مطرح شد که آیت الله خویی قائل به جواز نظر به وجه و کفین و مو و محاسن زن هستند که پس از ذکر مستندات و ادله روایی، ایشان در جواز این نگاه عدم قصد لذت و امکان فعلی ازدواج برای زن، احتمال حصول توافق و همچنین احتمال حصول آگاهی از خصوصیات زن و همچنین اینکه قصد ازدواج با زن خاصی داشته باشد را شرط می‌دانند، ولی اذن و رضایت زن را در این نگاه شرط نمی‌دانند و در سرایت و تعدی این حکم از مرد به زن اشکال جدی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: نظر، ازدواج، خواستگاری، نامحرم

## مقدمه

در اسلام ازدواج و نظام مقدس خانواده از قداست و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که به موجب آن احکام خواستگاری به عنوان مقدمه‌ای در امر ازدواج مورد توجه قرار گرفته است؛ از مهم‌ترین این مسایل، بحث جواز نگاه به قصد ازدواج است که شارع به دلیل حفظ نظام خانواده و استحکام بخشیدن به آن، از حکم حرمت نگاه به نامحرم استثنا کرده که فقها در اصل جواز این نگاه اختلافی ندارند، ولی با توجه به اختلاف مبانی و ادله روایی که در این مسأله ذکر شده، در محدوده جواز این نگاه اختلاف نظر دارند و برای آن شرایطی را ذکر کرده‌اند که آگاهی از این شرایط و همچنین ذکر مبانی و ادله روایی آن به شکل مستقل و گسترده می‌تواند سبب پیدایش یک راهکار عملی و ایجاد توانمندسازی لازم در مواجهه با چالش‌های اجتماعی گردد و همچنین فضا و عرصه مناسبی جهت فهم دقیق‌تر اسرار احکام شرعی نگاه به نامحرم که در حقیقت بر مبنای استحکام روابط صحیح با دیگران قابل شکل‌گیری است، ایجاد کند. هدف این نوشتار بررسی آرا و اقوال فقها در محدوده و شرایط نگاه به قصد ازدواج است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی به مسایلی از قبیل زمان این نگاه و این که آیا در جواز نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، اذن و رضایت زن نیز شرط است یا نه، پرداخته سپس از این که آیا حکم جواز نگاه مرد در این باب را می‌توان به زن نیز سرایت داد یا نه بحث شده است و در پایان مبانی و ادله روایی آن از دیدگاه آیت الله خویی مورد بررسی قرار گرفته است.

## پیشینه تحقیق

همزمان با ظهور و پیدایش اسلام و با توجه به ضرورت بحث روایات زیادی در مورد این مسأله از معصومین (ع) وارد شده که به بیان محدوده و شرایط نگاه به قصد ازدواج پرداخته‌اند. با وجود اهمیت موضوع کتاب یا مقاله‌ای ندیدم که این مسأله را به طور مستقل و یکجا مورد بحث قرارداد باشد، بلکه علمای فقه این مسأله را در بین بقیه مطالب مرتبط با این بحث در باب نکاح آن هم به صورت جزئی و پراکنده مطرح کرده‌اند؛ از جمله کتب فقهی: العروه الوثقی سید یزدی و تحریرالوسیله امام خمینی، کتاب نکاح آیت الله سیدموسی شبیری زنجانی، موسوعه آیت الله خویی و شروح العروه الوثقی و شروح تحریرالوسیله. در کتب و مقالات پیرامون حجاب هم به صورت خیلی جزئی این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. البته این موضوع در آثار مربوط به نگاه حرام هم ذکر شده؛ از جمله کتاب «امان از نگاه تو»، نوشته محسن سعیدیان با موضوع نگاه به نامحرم؛ همچنین پایان نامه‌ای با عنوان «بررسی فقهی نگاه به نامحرم به قصد ازدواج»، نوشته طاهرعلی محمدی و سعیده رضایی هم این موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

آنچه این نوشته را از سایر آثار متمایز کرده، جامع نگری آن در واکاوی این مساله است.

## چارچوب نظری پژوهش

در این قسمت ابتدا به بررسی مهم‌ترین مفاهیم و مبانی نظری پژوهش خواهیم پرداخت و در ادامه مبانی فقهی این موضوع را از دیدگاه آیت الله خویی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱. مفاهیم

#### ۱-۱. واژه نظر در لغت و اصطلاح

نگاه، همان نگرش و نظر است. اسم از مصدر نگرستن است، که در ادامه به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی نظر خواهیم پرداخت.

«النَّظَرُ: حَسُّ الْعَيْنِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۱۵). نظر حس چشم را گویند. «النَّظَرُ: تَأَمُّلُ الشَّيْءِ بِالْعَيْنِ وَ النَّظَرُ: الْإِنْتِظَارُ» (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۸۳۰). نظر در لغت به معنای نگاه کرن با چشم و تأمل در آن و یا منتظر چیزی بودن است: «رُؤْيَا فِي تَعَمُّقٍ وَ تَحْقِيقٍ فِي مَوْضِعٍ مَادِّيٍّ أَوْ مَعْنَوِيٍّ، بَبَصَرٍ أَوْ بِبَصِيرَةٍ»، (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۱۸۴). نظر یعنی نگاه کردن دقیق و عمیق در امور مادی یا معنوی به وسیله چشم یا بصیرت، «النَّظَرُ: تَقْلِيبُ الْبَصَرِ وَ الْبَصِيرَةُ لِإِدْرَاكِ الشَّيْءِ وَ رُؤْيَاهُ، وَ قَدْ يُرَادُ بِهِ التَّأَمُّلُ وَ الْفَحْصُ، وَ قَدْ يُرَادُ بِهِ الْمَعْرِفَةُ الْحَاصِلَةُ بَعْدَ الْفَحْصِ، وَ هُوَ الرُّؤْيَةُ»، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۱۲). «نظر برگرداندن و توجه دادن چشم ظاهر و چشم باطن برای دیدن و ادراک چیزی است، که مقصود از این عمل تأمل و تحقیق در باره آن است و نیز مقصود از دیدن و تأمل به دست آوردن معرفت و شناختی است که بعد از تحقیق حاصل می‌شود و آن را "رویه" یعنی اندیشه و تدبّر گویند»، (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۳۵۸). گاهی نظر به معنای تعطف و رحم و مهربانی کردن است به واسطه آنچه نزد اوست، (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۵۴). همان طور که خداوند می‌فرماید: «وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، (آل عمران: ۷۷).

در معنای اصطلاحی نظر گفته‌اند: «فکری است که منجر به علم و اعتقاد و یا ظن می‌گردد»، (عبدالمعزم، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۶). اما «لفظ نظر در فقه برای تأمل و دیدن با چشم استعمال شده است که این معنی در عرف بسیار استفاده شده و موضوع بسیاری از احکام فرعیه واقع شده است»، (مشکینی، ۱۳۹۲ش، ص ۵۴۰).

بنابر تعاریف، نگاه دو مصداق دارد؛ نگاه با چشم و تأمل و عنایت قلبی، واضح است که در این تحقیق تأمل و نگاه با چشم مراد است و نظر و تأمل قلب محل بحث نیست. نگاه به معنای اعم شامل نگاه مستقیم و نگاه غیرمستقیم است که نگاه در آب و آینه و شیشه از اقسام نگاه غیرمستقیم هستند. فقها نگاه به عکس و نگاه از طریق صفحه تلویزیون و مانیتور را در حکم به نگاه به آینه ملحق کرده‌اند که خود نیاز به بحث گسترده‌تری دارد که در این تحقیق نمی‌گنجد. بنابراین آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد نگاه به صورت مستقیم منظور می‌باشد.

## ۱-۲. واژه خواستگار در لغت و اصطلاح

این واژه در لغت نامه دهخدا این‌گونه تعریف شده است: «خواستگار، زنی است که به پسندیدن و گزیدن عروس رود»، (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۷، ص ۲۴۸). زنی که برای دیدن دختری یا زنی می‌فرستند تا او را دیده و مردی که قصد ازدواج دارد را از خصوصیات و شمایل آن زن آگاه کند. در زبان عربی و نیز قرآن به خواستگاری خطبه اطلاق می‌شود و ریشه خطبه از خطب به معنی تکلم و صحبت کردن بین دو نفر می‌باشد که در آن مراجعه کلام است و «خطب المرأة خطبة» زمانی گفته می‌شود که در امر تزویج با آنها صحبت شود. جوهری این واژه را این‌گونه معنا کرده: «و خطبت علی المنبر خطبة بالضم و خاطبه بالكلام مخاطبة و خطاباً. و خطبت المرأة خطبة بالكسر»، (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۱۲۱). خطبه با ضم خاء به معنای سخنرانی و خطاب بر روی منبر است؛ و به آن که او را مورد خطاب قرار می‌دهند مخاطبه و خطاب می‌گویند و خطبه با کسر خاء به معنای خواستگاری و تقاضای ازدواج از زن می‌باشد. «الخطب: الشأن، و الأمر صغر أو عظم»، (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۳). خطب با فتح خاء به معنای حالت و یا هر امر بزرگ یا کوچکی گفته می‌شود و «الخطب: الذي يخطب المرأة. و هي خطبة التي يخطبها»، (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۶۰).

«خطب» با کسر خاء به مردی که زنی را خواستگاری می‌کند و همچنین به زنی که مورد خواستگاری قرار گرفته و برای ازدواج انتخاب شده گفته می‌شود؛ «مخطوبه» اسم مفعول از ماده خطب به معنای زنی است که مورد خواستگاری قرار گرفته است.

به موجب ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی ایران: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می‌توان خواستگاری کرد». قانونگذار ایران به این اجمال اکتفا کرده، خواستگاری را تعریف نکرده است، اما عده‌ای از حقوق دانان خواستگاری را پیشنهاد زناشویی از طرف مرد نسبت به زنی که بتواند با او ازدواج نماید، تعریف کرده‌اند، (امامی، ۱۳۸۳ش، ج ۴، ص ۳۲۸). برخی دیگر خواستگاری را درخواست مرد از زن برای ازدواج تعریف کرده‌اند.

خطبه از اصطلاحات فقه امامیه است در اصطلاح فقهی مفهوم خطبه همان معنای لغوی آن - تقاضای ازدواج مرد از زن - می باشد که از آن در باب حج و نکاح سخن به میان آمده است.

## ۲. آرا و اقوال فقها در اصل جواز نظر

شیخ مفید نظر به صورت زن را در حال عادی بدون قصد تلذذ جایز می داند. از این رو، نظر به قصد ازدواج را به طریق اولی جایز می داند، (مفید عکبری، ۱۴۱۰ق، ص ۵۲۰).

شیخ طوسی می گوید: در فرض مذکور، نظر جایز است و حتی ابوحنیفه و مالک و شافعی نیز این نظر را قبول دارند، (طوسی (ب)، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۷).

علامه حلی می گوید: کسی که قصد ازدواج با زنی را دارد، می تواند به برخی از مواضع زن نگاه کند و در اصل این مسأله بین فقها اختلافی نیست و یک نفر مخالف هم در بین علمای شیعه در اصل جواز وجود ندارد، (حلی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۲).

شهید ثانی نیز همچون کرکی (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶) می گوید: بین علما اختلافی در جواز نظر برای کسی که اراده ازدواج را دارد، نیست. حتی در کتابی دیگر، چون موجب رفع ضرر می گردد، نظر را مستحب نیز می داند، (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۰).

صاحب جواهر ادعای اجماع کرده و می گویند: ظاهراً اختلافی بین مسلمین نیست، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۳). صاحب عروه و شیخ انصاری نیز می گویند: نظر مرد بر زنی که قصد ازدواج با او را دارد، جایز است، (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۰۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۸۳).

امام خمینی می گوید: کسی که اراده ازدواج با زنی را کرده است، جایز است به او نگاه کند و می تواند به غیر وجه و کفین به بقیه جسد - غیر از عورت - نیز از روی لباس نازک نگاه کند، (خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۲۴۵).

آیت الله خویی معتقد است: جایز است برای کسی که قصد ازدواج با زنی دارد، به وجه و کفین و مو و محاسنش نگاه کند، بدون اشکال، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۱۱).

## ۳. حکمت جواز نگاه به قصد ازدواج

از روایتی که در آن پیامبر(ص) به مغیره بن شعبه فرمود: «اگر به او نگاه کنی، مودت و صمیمیت بینتان ایجاد می شود»<sup>۱</sup> (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۹۰). این گونه برداشت می شود که حکمت جواز نگاه در این باب انتخاب آگاهانه زوجین و ایجاد علاقه و محبت و دوام آن است، البته برخی از فقها حکمت جواز این نگاه را پرداخت مهریه از جانب مرد می دانند. این تحلیل ناشی از برداشت از عبارت: «إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأُغْلَى الثَّمَنِ» است که به عنوان تعلیل در برخی از روایات این باب ذکر شده است، (محمّدی و رضایی، ۱۳۹۴ش، ص ۶۱). با دقت در تفسیر جمله «إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأُغْلَى الثَّمَنِ» روشن می شود که حکمت جواز نگاه منحصر به پرداخت مهریه نیست؛ زیرا در فقه اسلام، مهریه قیمت و بها نیست، بلکه هدیه ای است که در ازدواج از طرف شوهر به زن داده می شود. علاوه بر آن، برخی از فقها برای نگاه زن به مرد هم در این باب حکم به جواز داده اند و اگر مراد از ثمن گرانبها، فقط مهریه باشد، در این صورت، روایت فقط به جواز نگاه مرد اشاره دارد و جواز نگاه زن به مرد خواستگار از آن فهمیده نمی شود. شاید انحصار حکمت جواز نگاه به امور دیگری غیر از مهریه نیز تفسیر کامل کلام معصوم نباشد؛ همانند تفسیر شهید مطهری: «یعنی آنچه که انسان در زندگی زناشویی مایه می گذارد، از هر چیز گرانبهاتر است. واضح است که مراد مهریه نیست، زیرا ارزش پولی مهریه، گرانبهاترین قیمت نیست، بلکه مقصود این است که می خواهد با او زندگی کند و عمرخویش را با او به سر برد» (مطهری، ۱۳۶۵ش، ص ۲۱۸). از این جهت، بهتراست معنای عبارت را به مهریه و غیر آن تعمیم داد، (محمّدی و رضایی، ۱۳۸۸ش، ص ۶۱).

## ۴. آرا و اقوال فقها در حدود جواز نظر

همه فقها در جواز نگاه به وجه و کفین زن مخطوبه اتفاق نظر دارند، ولی در اکتفا کردن به این حد و یا تعدی از آن اختلاف دارند و دلیل این اختلاف هم اختلاف در روایات این باب است؛ در این باره به طور کلی سه نظریه مطرح است:

## ۴-۱. نظریه اول: محدودیت جواز نظر به وجه و کفین

برخی از فقها محدوده جواز نگاه را منحصر به وجه و کفین دانسته اند البته این نظر، در بین فقهای متأخر طرفدار کمتری دارد. شیخ طوسی در کتاب الخلاف بر جواز نگاه به صورت و دست های مخطوبه ادعای اجماع کرده و فقط قائل به جواز نگاه به

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيِّ فِي الْمَجَازَاتِ النَّبَوِيَّةِ عَنْهُ ع أَنَّهُ قَالَ لِلْمَغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ وَ قَدْ حُطِبَ امْرَأَةٌ - لَوْ نَظَرْتَ إِلَيْهَا فَإِنَّهُ أُخْرَى أَنْ يُودَمَ بَيْنَكُمَا»

وجه و کفین شده اند و بقیه بدن زن را عورت می‌دانند، (طوسی (ب)، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۴۷). طبق نظر صاحب ریاض اختلاف میان فقها برای رد ادعای شیخ طوسی کافیت، (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۴۱). علامه حلی در تذکره الفقهاء این نظر را مشهور بین علمای اهل سنت دانسته است، (حلی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۵۷۲). شهیدثانی نیز نگاه به آنچه مورد اتفاق فقهاست، یعنی وجه و کفین را جایز می‌داند، (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۱). محقق کرکی هم در جامع المقاصد همین نظر را دارند، (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۷). شیخ انصاری می‌گوید: نگاه چنانچه موجب دفع معظم غرر گردد، جایز است و آن هم با نظریه وجه و کفین که نماد و شأن زیبایی زن و کیفیت رنگ پوست بدن اوست، حاصل می‌شود، (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰). محقق حلی نیز در شرایع جواز نظر را فقط به همین دو مورد اختصاص داده است، (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۱۲). ابن ادریس وجه و کفین را مستثنی می‌داند؛ اما در همین استثناء، مجوز تکرار نگاه حتی بدون اذن را می‌دهند، (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۰۹). شیخ مفید هم در المقنعه نگاه به صورت و دست بدون پوشش و راه رفتن زن همراه با پوشش را جایز دانسته است، (مفید عکبری، ۱۴۱۳ق، ص ۵۲۰). فخر المحققین هم با تمسک به اطلاق آن قسمت از آیه ۳۰ سوره نور که می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...»، نظر به غیر وجه و کفین مخطوبه را جایز نمی‌داند، (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۵-۶). آیت الله گلپایگانی و آیت الله بروجردی هم در حاشیه بر عروه الوثقی گفته‌اند: اقتصار بر وجه و کفین احوط است، (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۹۱). صاحب ریاض این نظریه را به دلیل این که دیگر تفاوتی میان نگاه به اجنبیه و نگاه به مخطوبه نخواهد بود، نمی‌پذیرند، (همان، ص ۴۱).

در این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا بحث از جواز نظر در این مقام برای کسی که مطلقاً قائل به جواز نظر به وجه و کفین است، لغو است یا نه؟ شهید ثانی با این بیان به این سؤال پاسخ داده اند: اول این که جواز نگاه زن بیگانه بر خلاف این جا محل اختلاف است؛ دوم این که جواز نگاه به اجنبیه مشروط به عدم خوف وقوع در گناه است، در حالی که در موضوع مورد بحث چنین شرطی وجود ندارد؛ سوم این که از دیدگاه برخی فقها در نگاه به اجنبیه تکرار جایز نیست، در حالی که تکرار و دقت در نگاه به قصد ازدواج جایز است؛ چهارم این که نگاه به زن بیگانه که از نگاه جماعتی از فقها و در نخستین بار و بدون قصد ریه جایز شمرده شده، مکروه است، درحالی که در این جا اگر گفته نشود، مستحب است کراهتی در آن وجود ندارد، (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۲).

## ۲-۴. نظریه دوم: جواز نظر بر وجه و کفین و محاسن بدن، معصم و موی سر بدون پوشش و نگاه به سایر اعضا و

## اندام زن به صورت پوشیده

بسیاری از فقها معتقدند: افزون بر وجه و کفین، نظر به مو و سایر محاسن زن به قصد ازدواج جایز است. محقق کرکی بعد از این که حکم به جواز نظر به وجه و کفین داده، در ادامه با استناد به روایات می گوید: «نگاه به آنچه که غالباً دیدن آن با دیدن مو ملازم است؛ مانند گوش ها و گردن جایز است»، (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۹). صاحب ریاض با وجود ضعیف دانستن روایات دال بر جواز نگاه به مو و محاسن، علاوه بر نگاه به وجه و کفین نگاه به محاسن بدن، معصم و موی سر بدون پوشش و نگاه به سایر اعضا و اندام زن را از روی لباس، به دلیل اباحه و عدم دلیل بر منع برگزیده است، (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۴۰-۴۱). بر اساس این نظریه، محاسن بدن فقط شامل صورت و موی سر و دستان و ساعد که محل دستبند است، می باشد. علامه حلی هم در تحریر این نظریه را تأیید کرده است، (حلی، بی تا، ج ۲، ص ۳). شیخ طوسی در کتاب النهایه فتوایی متفاوت با نظر خود در الخلاف داده و دایره جواز را وسیع تر از وجه و کفین دانسته است: «اشکالی ندارد که مرد به صورت و محاسن زنی که قصد ازدواج با او را دارد، بنگرد و همچنین جایز است که به راه رفتن و اندام زن از روی لباس نگاه کند»، (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۴۸۴). سید ابوالحسن اصفهانی هم این دیدگاه را برگزیده اند، (اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ص ۶۹۹). صاحب روضه المتقین می گوید: محدوده نگاه شامل مواضع زینت یعنی وجه و کفین، قدمین، گوش و مو و گردن می شود، (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۲۳۸). صاحب حدایق نیز نگاه مرد به وجه و کفین، مو و مواضع زینت زنی که قصد ازدواج با او را دارد، جایز دانسته است، (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۴۳). همچنین ایشان موضع النگو را داخل در وجه و کفین دانسته اند. آیت الله سیستانی نیز از دیگر طرفداران این نظریه می باشند، (سیستانی، ۱۴۴۰ق، ج ۳، ص ۱۵). سبزواری در کفایه الاحکام معتقد است: «در جواز نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، فی الجمله اشکالی نمی بینم و همچنین در نگاه به وجه و کفین در این مقام اختلاف نیست، ولی در مازاد وجه و کفین مثل مو و محاسن اختلاف نظر است که قول به جواز مقبول تر است، (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۸۲). آیت الله خویی جواز نظر به وجه و کفین و مو و محاسن زن را بدون اشکال دانسته و معتقد است که منظور از محاسن چیزی است که زیبایی های زن در آن آشکار می شود و ساق پا و معصم (محل بستن دستبند و بخشی از مچ تا نزدیک آرنج) را جزو محاسن دانسته اند، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۱-۲۴).



## ۳-۴. نظریه سوّم: جواز نگاه به تمام بدن زن، بجز عورت، بدون ساتر و پوشش

گروهی از فقیهان نظر به تمام بدن زن را بدون ساتر و پوشش جایز می‌دانند. صاحب جواهر بعد ذکر روایات می‌گوید: «برای فقیهی که خداوند چشم بصیرت به او داده است، چاره‌ای نیست جز این که قائل به جواز نگاه به تمام بدن زن شود، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۴۶). سید یزدی در عروه الوثقی می‌گوید: برای کسی که قصد ازدواج با زنی را دارد جایز است نگاه کند به وجه و کفین مو و محاسن او بلکه بعید نیست که نگاه کردن به قسمت‌های دیگر بدن به جز عورت جایز باشد، هر چند احتیاط خلاف آن است، (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۹۱). امام خمینی نیز این نظریه را پذیرفته است و این گونه بیان کرده اند: «اقوی جواز نظر به وجه و کفین و شعر و محاسن و سایر اعضای بدن به جز عورت می‌باشد و نزدیک تر به احتیاط این است که از روی لباس نازک نگاه کند، (خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۲۴۹). آیت الله فاضل (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۷۴) و سبزواری (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ص ۵۴۹) و آیت الله خامنه‌ای (خامنه‌ای، ۱۳۸۸ش، سؤال ۵۲۵) هم از جمله فقهایی هستند که این دیدگاه را برگزیده اند.

## ۵. شرایط جواز نگاه مرد به زن نامحرم با قصد ازدواج

فقه‌ها حکم جواز نگاه خواستگار را با دقت و اهتمام مورد ملاحظه قرار داده و آن را منوط به احراز شرایط و خصوصیات دانسته که آنها را در آثار خویش آورده‌اند؛ از جمله این شرایط می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

## ۵-۱. عدم قصد تَلَذُّذ (لَذَّت بردن)

اکثر فقها معتقدند نگاه نباید توأم با ریه و خوف وقوع در حرام (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۸۳) و یا به قصد تَلَذُّذ باشد، هر چند بدانند با نگاه کردن لذت قهری برای او حاصل می‌شود، (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۹۲). آیت الله خویی در این باره می‌گوید: «نگاه به زن به دلیل مقدمه برای ازدواج جایز است، ولی اگر این نگاه دخالتی در ازدواج نداشته باشد، مثل این که به قصد تَلَذُّذ یا غیره باشد، یا مرد از حال زن اطلاع داشته باشد، و یا در هر صورت، قصد ازدواج با او را داشته باشد، چه زیبا و نیکو باشد، چه نه نگاه جایز نیست»، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۳۱). البته شهید ثانی در کتاب مسالک نظر توأم با ریه را در این مسأله جایز دانسته و آن را یکی از تفاوت‌های جواز نگاه به زن اجنبیه با نگاه خواستگار می‌داند، (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۲). صاحب جواهر اشتراط عدم تَلَذُّذ را به دلیل اطلاق ادله مشروعیت نظر و موجب عُسر و مشقت بودن چنین تکلیفی و تنافی داشتن با حکمت حکم جواز نپذیرفته است، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۵).

## ۵-۲. احتمال حصول بصیرت و آگاهی نسبت به حالات زن

دومین شرط جواز نگاه در این مسأله آن است که مرد از قبل به حالات زن از جهت زیبایی و زشتی شناختی نداشته باشد و این نگاه آگاهی مرد را نسبت به او زیاده‌تر کند، وگرنه اگر با نگاه کردن شناخت جدیدی برای مرد حاصل نشود، نگاه کردن جایز نیست؛ زیرا در این حالت، نگاه برای حصول اطلاع از حال زن و مقدمه ازدواج نیست تا مشمول روایات دال بر جواز نگاه شود، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۹).

مؤلف کتاب «دلیل تحریر الوسيله» وجه این شرط را این گونه بیان کرده است: «شرط است که مرد با نگاه کردن به محاسن زن احتمال دهد آگاهی بیشتری نسبت به خصوصیات زن پیدا کند، وگرنه اگر او به تمام خصوصیات زن آگاه باشد، بدون این که احتمال وجود خصوصیتی در زن را بدهد که بر او پوشیده است، در این حال، هیچ اثری بر این نگاه مترتب نمی‌شود. بنابراین، شکی نیست که این نوع نگاه خارج از قلمرو شمول روایات مجوزه است، (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۵).

نکته دیگر آن که بحث از تکرار نگاه در صورت عدم کفایت نگاه اول است. علما در کتب خویش این نکته را در ادامه شرط احتمال حصول بصیرت و آگاهی آورده و بالاتفاق قائل به جواز تکرار نگاه هستند. آیت الله خویی در این باره می‌گوید که چون ادله اطلاق دارند و مقتضای روایات هم جواز نگاه به زن است، تا زمانی که مرد به خاطر آگاهی از خصوصیات و محاسن زن به او نگاه می‌کند، این نگاه جایز است، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۸).

## ۵-۳. احتمال انتخاب و اختیار زن و حصول توافق

شرط دیگر جواز نظر به زن مورد خواستگاری، آن است که احتمال دهد زن او را می‌پذیرد، ولی اگر بداند خواستگاری او را رد خواهد کرد، دیگر دلیلی برای حکمت جواز نظر وجود ندارد، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۵).

## ۵-۴. امکان فعلی ازدواج

بعضی از فقها، شرط دیگری را برای جواز نگاه ذکر کرده اند که سید یزدی در کلام خود نیاورده است؛ از جمله صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۵)، آیت الله سبزواری در کفایه الاحکام (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۸۳)، محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۷)، شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۱) در کتاب النکاح خود این شرط را ذکر کرده اند. امام خمینی هم در تحریر الوسيله این شرط را افزون بر متن عروه آورده اند. آیت الله خوئی نیز آن را پذیرفته‌اند و آن شرط آن است

که نگاه در زمانی باشد که مانعی از ازدواج در کار نباشد و ازدواج، امکان فعلی داشته باشد. برای مثال، اگر زن در حال عده باشد، یا شوهر داشته باشد، یا خواهر او در ازدواج مرد است، یا مرد چهار زن دارد و یا این که زن در حال احرام باشد، چون فعلاً مانعی از ازدواج با زن وجود دارد، نگاه کردن جایز نیست، هرچند در همه این صورت ها این مانع می‌تواند برطرف گردد.

آیت الله خوئی آن را چنین توضیح می‌دهند: «چون از تعلیل روایت به «إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ» استفاده می‌شود که وی درصدد ازدواج فعلی با زن می‌باشد و اگر مانعی از ازدواج در کار باشد، صدق نمی‌کند که مرد درصدد ازدواج با زن است، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۹).

### ۵-۵. نگاه به انگیزه و قصد ازدواج با زنی خاص

برخی از فقها مثل محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۷) اعتقاد دارند که قصد ازدواج با یک زن مجوز نگاه کردن به آن زن شود، نه آن که نگاه او به زن، انگیزه تصمیم بر ازدواج شود. شهید ثانی این قول را نیکو نمی‌داند و معتقد است مهم، قصد ازدواج قبل از نگاه است و انگیزه هرچه می‌خواهد باشد، (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۵۳). صاحب جواهر نظرش این است که اولی جواز نظر به کسی است که قصد ازدواج با خود او را دارد و صرف قصد ازدواج داشتن کافی نیست، حتی اگر احتمال بدهد که بعد از نگاه کردن تصمیم بگیرد با زنی ازدواج کند، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۶). امام خمینی نیز این شرط را در قالب احتیاط بیان کرده و اعتقادش بر این است که اگر آقای نباشد، احتیاط این است که تنها به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند. پس حکم جواز نظر شامل آن جایی که مرد مطلق ازدواج را قصد کرده و می‌خواهد یکی را از بین چند نفر زن انتخاب کند، نمی‌شود، (خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۲۴۹).

سید یزدی در عروه این شرط را لازم ندانسته و گفته فرقی بین مردی که قصد ازدواج با زن بخصوصی کرده و یا این که قصد مطلق تزویج کرده و با این نگاه در صدد تعیین زوجه است، نیست، هرچند احتیاط این است که حکم جواز شامل مورد اول، یعنی قاصد تزویج زن بخصوص شود، (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۹۲). آیت الله خویی این شرط را متعین و لازم دانسته و وجه آن را این گونه بیان می‌کنند که ظاهر نصوص این مسأله، اراده تزویج را موضوع جواز نگاه به زن قرار داده اند. بنابراین، چاره‌ای نیست که قبل از حکم جواز، فرض وجود موضوع در خارج محقق و قطعی شده باشد و تا زمانی که اراده تزویج با زن بخصوصی در خارج محقق نشود، نگاه جایز نخواهد بود و اگر مطلق تزویج را اراده کند چون حکم به جامع تعلق گرفته، اراده تزویج به هریک از زنان در خارج محقق نمی‌شود. بنابراین، نمی‌توان حکم به جواز نگاه به همه آنها داد، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۳۱). آیت الله مکارم شیرازی می‌گوید: اگر صحبت های اولیه انجام شده و قصد ازدواج جدی است، زن می‌تواند برای

لحظاتی به مقدار لازم بدون حجاب در برابر خواستگار ظاهرشود»، (مکارم، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۷۲). همچنین معتقد است نگاه به زن مورد نظر با لباس نازک، در صورتی مجاز است که طرفین بر مسایل دیگر ازواج توافق کرده باشند و بیان می‌کنند که: «الف و لام در "المرأة" عهد است، یعنی زن معهود نه این که جنس زن مراد باشد»، (همان).

امام خمینی در ادامه شرط دیگری هم برای جواز نگاه خواستگار ذکر کرده اند و آن این که در غیر از وجه و مو و گردن که روایت داری، نگاه به بقیه محاسن و اجزاء از روی لباس نازک باشد، (خمینی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۲۴۵).

## ۶. اجازه و رضایت زن در نگاه

از دیگر مباحثی که فقها در این مسأله به آن پرداخته اند، بحث از اطلاع و رضایت و اجازه زن برای نگاه است. کلام فقهای شیعه نشان دهنده عدم اعتبار چنین شرطی است. آنها عموماً دلیل آن را اطلاق ادله این باب دانسته و گفته اند در روایات مربوطه چنین شرطی دیده نمی شود و نگاه برای خواستگاری به طور کلی و به صورت مطلق اجازه داده شده است. آیت الله خویی با آوردن تعبیر «بلاخلاف» ادعای اجماع کرده و گفته اند جواز نظر به زن از حقوق زن نیست تا رضایت او شرط باشد، بلکه حکمی شرعی است برای کسی که درصدد ازدواج است، (خویی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۸). آیت الله شبیری زنجانی این استدلال را متین دانسته اند، (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، همان، ص ۱۳۹). در کشف اللثام علاوه بر وجه ذکر شده، وجه دیگری هم برای عدم نیاز به اذن زن، در این مسأله ذکر شده و آن این که اجازه گرفتن برای نگاه کردن محذوراتی را ایجاد می‌کند، چون ممکن است زنان بدان رضایت ندهند. از طرفی، اگر زن از قبل در جریان قرار گیرد، ممکن است خود را بیاراید و آماده کند که در این صورت، مرد قهراً نتواند به وضع طبیعی زن آگاه شود، (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۱).

## ۷. وقت نگاه

فقهای متأخر بین این که نگاه کردن قبل از خواستگاری باشد یا بعد از آن، تفاوتی ندیده‌اند و دلیل آن را اطلاق روایات دانسته‌اند، ولی برخی از متقدمان در این مورد، تفاوت قایل شده اند. علامه حلی (حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۵۷۳). محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۷). شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۰) و فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۰) و آیت الله فاضل (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۵) معتقدند بهتر است این نگاه قبل از خواستگاری باشد؛ البته صاحب جواهر این قول را نمی‌پسندد و آن را اجتهاد در مقابل نص قلمداد می‌کند، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۶).

با توجه به نوع تعبیری که در روایات به کار رفته و ارزش و اهمیت عفاف و همچنین حدود و شرایط این نگاه، می‌توان گفت که شارع در صورتی این نگاه را اجازه داده که مرد پس از احراز شرایط و ضوابط ذکر شده، قبل از این که زن مورد نظر را ببیند، از جهات دیگر؛ از جمله شأن و اصالت خانوادگی، اعتقادات و ارزش‌های مورد نظر طرف مقابل و میزان تحصیلات او را پسندیده، تصمیم به ازدواج با او گرفته و فقط خصوصیات ظاهری جسمی و حسن و جمال او مانده باشد.

## ۸. حکم نگاه زن به مردی با قصد ازدواج با او

با بررسی روایات دالّ بر جواز نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، می‌بینیم که همه این روایات به نگاه مرد به زن اختصاص داشته، بدون این که روایت خاصی در مورد نگاه زن به مرد وارد شده باشد. بنابراین، در الحاق کردن زن به مرد و تسری این حکم به او جای تردید وجود دارد. از همین رو، برخی از فقها در این مسأله، حکم جواز نگاه را به مرد اختصاص داده و نگاه زن را از حکم جواز خارج دانسته‌اند.

شهید ثانی در شرح لمعه برای زن هم نگاهی همانند نگاه مرد جایز دانسته، (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۴۲)، و علّت این حکم را اشتراک در هدف و مقصود (انتخاب صحیح بر مبنای شناخت برای جلوگیری از ضرر و زیان در زندگی آینده) از نگاه زن و مرد دانسته است، (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۷۵۷). اما صاحب حدائق بر نظر شهید ثانی اشکال کرده و گفته: «اصل در هر دو نگاه، هم زن و هم مرد به کسی که قصد ازدواج با او را دارد، حرمت است و بر جواز نگاه مرد دلیل و روایت وارد شده و تعلیل در روایات مذکوره هم مشتری بودن مرد و پرداخت هزینه از سوی مرد است و شأن خریدار هم این است که به چیزی که می‌خواهد بخرد، برای جلوگیری از ضرر، نگاه کند، در حالی که این علّت در نگاه زن به مرد وجود ندارد و قیاس نگاه زن با نگاه مرد قیاس مع الفارق است و این اشتراک نمی‌تواند به عنوان یک دلیل شرعی اصل را تخصیص بزند، (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۴۶). صاحب کشف اللثام قائل به جواز این نگاه است و آن را در مورد زن، اقوی دانسته است، (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۲۱). آیت الله مکارم هم مانند سید یزدی (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ص ۷۵۷) قائل به جواز این نگاه شده‌اند؛ چون معتقدند که علّت منحصر به: «إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ» نیست، بلکه علّت انتخاب شریک زندگی و کسب توافق است و توافق منحصر به مرد نیست، بلکه برای زن هم هست؛ مخصوصاً که برای مرد راه طلاق باز است، ولی زن در این مورد مشکل دارد، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۷۴). شیخ انصاری نیز بین زوج و زوجه در این نگاه فرقی نمی‌گذارد، (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۴۳).

در مقابل، آیت الله خویی می‌گوید: بنا به تعلیل «إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ» برای این که مهریه‌ای که مرد پرداخت کرده، و نیز مخارجی که برعهده می‌گیرد، ضایع نشود مرد اختیار نگاه کردن دارد، درحالی که چنین ضرر و زانی برای زن وجود ندارد و او حیثیت، بضع و وجودش را در مقابل مهر می‌پردازد و چیزی را از دست نمی‌دهد و مالی از او هدر نمی‌رود. بنابراین، تعدی از مورد روایت، به نگاه زن اشکال جدی دارد، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۳۱). صاحب جواهر نیز در این مسأله جواز نگاه را مختص به مرد دانسته، مقایسه زن با مرد و الحاق حکم جواز به زن را به دلیل حرمت قیاس ممنوع می‌داند، (نجفی، ۱۴۰۴ق ج ۲۹، ص ۶۸).

## ۹. مستندات فقهی آیت الله خویی در عدم جواز نگاه زن به مرد

روایات مورد استناد، برخی مطلقند و برخی هم محدوده نگاه را ذکر کرده اند. از این میان، برخی به طور مطلق و بدون ذکر علت حکم نگاه را بیان می‌کنند. برخی روایات هم علت حکم را ذکر کرده اند و برخی در مقام پاسخ به سؤال سائل هستند؛ به این صورت که از امام (ع) در مورد موضع خاصی سؤال پرسیده شده و امام (ع) هم در مقام پاسخ موضعی را ذکر کرده‌اند. در ادامه روایت‌های مورد استناد آیت الله خویی آورده می‌شود.

### ۹-۱. صحیح محمد بن مسلم

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ - أَوْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا قَالَ نَعَمْ إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ، (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۸)؛ امام باقر علیه السلام در پاسخ به این پرسش که آیا جایز است خواستگار به زنی که قصد ازدواج با او را دارد نگاه کند، فرمود: بله! بدرستی که مرد او را با بهای گزافی به همسری برمی‌گزیند».

از آن جایی که این روایت، صحیح است، نیازی به بررسی سندی ندارد.

در این روایت، سؤال به صورت مطلق است و امام (ع) هم در پاسخ تفاوتی در جواز نظر بین اعضای بدن قائل نشده و حکم جواز را به صورت مطلق آورده است. صاحب جواهر از اطلاق این روایت، حکم به جواز نگاه به جمیع اعضای بدن می‌دهند، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۸).

آیت الله خویی در این باره گفته‌اند که بحث در مورد این صحیح، در دو مقام واقع می‌شود: مقام اول در اطلاق و مقام دوم در وجود مقید این صحیح است. اطلاق این روایت به حدی نیست که شامل نگاه در غیر مذکورات شود. دلیل آن هم تعلیل

مذکور در روایت است و این تعلیل بیانگر آن است که این حکم، حکم تبعیدی نیست و منشأ این حکم، دفع غبن و ضرری است که ممکن است برای زوج پیش آید و چون بعد از عقد، اگر از همسرش رضایت نداشته باشد، حق فسخ ندارد و در صورت طلاق هم باید نصف مهریه را بپردازد و برای جلوگیری از این مشکل، حکم اولیه حرمت نگاه به زن نامحرم، تخصیص خورده و به مرد در این مسأله اجازه نگاه کردن داده شده است. با این تعلیل، جواز نگاه اختصاص به چیزهایی دارد که با نگاه کردن به آنها غبن و ضرر برطرف می‌شود که این غبن و ضرر با نگاه به محاسن به معنایی که ساق را هم در برگیرد، بر طرف می‌شود. بنابراین، نگاه کردن به بقیه اعضا بدن که داخل در این معنا از محاسن نیستند جایز نیست و مقام دوم در وجود مقید براین روایت، که باید بگوییم حتی اگر فرض شود این روایت و بعضی روایت های دیگر هم دلالت بر اطلاق دارندریال ما روایت های صحیحه دیگری داریم که آنها را تقیید می زنند، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۷).

## ۲-۹. صحیحہ فضلاء

«أَبَى عَنْهُ عَبْدُ اللَّهِ ع قَالَ: لَبَّاسٌ بَأْنُ يَنْظُرَ إِلَى وَجْهِهَا وَمَعَاصِمِهَا- إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا، (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۸۸)؛ از امام صادق علیه السلام نقل شده است که مانعی ندارد مرد به صورت و معصم (محل بستن دستبند) زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نگاه کند.

این روایت هم مانند روایت قبل، صحیحہ است و نیازی به بررسی سندی ندارد.

آیت الله خویی می گوید: ظاهر و منطوق روایت دلالت بر جواز نگاه به وجه دارد و دلالت آن بر جواز نگاه به کفین هم بالملازمه است؛ به این صورت که به طور عادی نگاه کردن به معاصم، مستلزم نگاه کردن به کفین هم هست و این روایت اطلاقی را که در صحیحہ مسلم یا روایات دیگر فرض شده، تقیید می‌زند، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۱).

نکته قابل توجه در مفاد این روایت این است که تعبیر «لَبَّاسٌ» در روایت، ظاهر در این است که این روایت از جانب امام (ع) شروع شده است، ولی وجود ضمیر «ها» در «وَجْهِهَا وَمَعَاصِمِهَا» مؤید قوی است بر این که مرجع ضمیر قبلاً ذکر شده و این روایت، تقطیع شده است. بنابراین، ممکن است قبلاً در این روایت، از حکم وجه و معاصم سؤال شده باشد و امام (ع) هم در مقام پاسخ به سؤال عبارت: «لَبَّاسٌ بَأْنُ يَنْظُرَ» را آورده باشد که در این صورت، استفاده از محدودیت جواز نگاه به وجه و محاسن، از این روایت مشکل خواهد بود و دلیل این که امام (ع) فقط «وجه و معاصم» را ذکر کرده، این است که در سؤال سائل این دو عنوان بوده است. بنابراین، روایات دیگر، معارض این روایت نیستند، (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۹).

## ۳-۹. صحیحہ عبدالله بن سنان

«عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ - أَوْ يَنْظُرُ إِلَى شَعْرِهَا فَقَالَ نَعَمْ - إِنَّمَا يُرِيدُ أَنْ يَشْتَرِيَهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ، (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، همان، ص ۸۹)؛ عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا شخصی که قصد ازدواج دارد، می تواند به موی زنی که می خواهد با او نکاح کند نظر کند؟ فرمود: آری، چرا که وی را با مبلغ گزافی به دست می آورد.

شاهد ثانی سند این روایت را به دلیل وجود افراد مجهول در سند این روایت، زیر سؤال برده و گفته: این روایت، صلاحیت ندارد که حکم اولیه حرمت را تخصیص زده و از آن به عنوان دلیل شرعی برای استنباط حکم جواز نگاه به موی زنی که قصد ازدواج با او را دارد، استفاده کنیم، (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۱). ولی آیت الله خویی این روایت را صحیح می داند، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۲). آیت الله زنجانی هم متذکر می شوند که سند این روایت، قابل تردید نیست، (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۹). علاوه بر آن، شیخ صدوق هم این روایت را از عبدالله بن سنان نقل کرده است، (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۱۲).

ظاهر این روایت، بر جواز نگاه به موی زنی که قصد ازدواج با او را دارد، دلالت دارد و از آن جایی که حضرت در مقام پاسخ به سؤال است، روایات دیگر با آن تعارضی ندارند. آیت الله زنجانی می گوید: چون این روایت، نگاه به مو در حالت عادی را گفته و حرفی از پوشاندن اطراف مو نزده، از آن استفاده می شود که نگاه کردن به صورت، مو، گلو و گردن برای کسی که قصد ازدواج دارد، جایز است، (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳۰).

## ۴-۹. صحیحہ غیاث بن ابراهیم

«غِيَاثُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ (ع) فِي رَجُلٍ يَنْظُرُ إِلَى مُحَاسِنِ امْرَأَةٍ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا - قَالَ لَا بَأْسَ إِنَّمَا هُوَ مُسْتَمَامٌ فَإِنْ يَقْضَ أَمْرٌ يَكُنْ، (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۷۹؛ طوسی (ب)، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۳۵)؛ امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام روایت کرده اند که ایشان به مردی که پرسیده بود: آیا می تواند به زیبایی زنی که می خواهد با او ازدواج کند نگاه کند؟ فرمودند: مانعی ندارد. آن مرد مستام است، اگر کاری مقدر باشد، خواهد شد».

شاهد ثانی در مسالک سند روایت را قابل اعتماد ندانسته است، (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۱)، ولی آیت الله خویی (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۲)، و آیت الله زنجانی (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ص ۹۹) این روایت را معتبر دانسته اند.



این روایت، بر جواز نگاه به محاسن (زیبایی های) زنی که قصد ازدواج با او را دارد، دلالت می‌کند. برخی چون صاحب جواهر از این روایت جواز نگاه به جمیع بدن را استفاده می‌کنند. آقای خویی معتقدند که این روایت از چنان اطلاقی برخوردار نیست که جمیع بدن را شامل شود و مراد از محاسن چیزی است که به واسطه آن حُسن و جمال زن آشکار می‌شود و تا جایی که بتوان از وجه و کفین و مو به زیبایی‌های زن پی برد، دیگر جایی برای تعدی از این سه مورد نیست. آیت الله خویی در این باره می‌گویند: کلمه «محاسن» در سه روایت به کار رفته که یکی همین صحیح غیاث است و دو روایت که ضعف سندی دارند، یکی روایت مسعده بن الیسع باهلی از امام صادق علیه السلام است. و روایت دوم، روایت عبدالله بن فضل از امام صادق علیه السلام است.<sup>۳</sup>

در هیچ کدام از این روایت‌ها، کلمه «محاسن» در مقابل مذکورات (مو، وجه و شعر) ذکر نشده، جز روایت آخر که کلمه «محاسنها» به شعر عطف شده است. بنابراین، باید کلمه «محاسن» که در این صحیح آمده را به مذکوراتی که در بقیه روایت‌های صحیح آمده، تفسیر کنیم.

همچنین آیت الله خوئی معتقدند ساق نیز قطعاً از «محاسن» است و نگاه کردن به آن برای کسی که قصد ازدواج دارد، جایز است؛ چون روایتی که نگاه کردن به ساق آمه را در هنگام خرید جایز دانسته، به طریق اولی بر جواز نگاه به ساق زنی که قصد ازدواج با او را دارد، دلالت می‌کند؛ با این وجه که چون در روایت تعلیل «أَنْ يَشْتَرِيَهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ» به کار رفته است. پس اگر در خرید آمه، این نگاه کردن جایز است، در جایی که خرید به اعلی ثمن است، به طریق اولی جایز خواهد بود. بنابراین، ساق هم مانند گردن از چیزهایی است که بیانگر حُسن و جمال زن است. بنابراین، داخل در کلمه «محاسن» که در روایات به کار رفته می‌شود، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۳-۲۴).

آیت الله زنجانی بر این استدلال، اشکال کرده و گفته اند که اولاً محاسن مفهوم روشنی ندارد که بتوان گفت ساق هم جزو محاسن محسوب می‌شود یا نه؛ خصوصاً که سابقین هم محاسن را بر وجه و کفین و مو تطبیق داده‌اند. علاوه بر آن، در عرف هم برای تشخیص زیبایی های شخص به قسمت‌های بالایی بدن؛ مثل مو، صورت و غیره نگاه می‌کنند. بنابراین، از کلمه محاسن

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): لَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى مُحَاسِنِ الْمَرْأَةِ - قَبْلَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا فَإِنَّمَا هُوَ مُسْتَنَامٌ فَإِنْ يَفْضُ أَمْرٌ يَكُنْ، (حرعاملی، وسائل الشیعه، همان، ص ۹۰، ح ۱۲).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ أَيْ يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ يُرِيدُ تَزَوُّجَهَا - فَيَنْظُرُ إِلَى شَعْرِهَا وَ مُحَاسِنِهَا - قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُتَلَبِّدًا، (حرعاملی، وسائل الشیعه، همان، ص ۸۸، ح ۵۰).

به این توسعه‌ای که مدّ نظر ایشان است، نمی‌توان استفاده کرد؛ ثانیاً نمی‌توان حکم را از اَمّه (کنیز) به حُرّه (آزاد) تعدّی داد، (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳۱).

## ۵-۹. روایت حسن بن السّری

«عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ - يَتَأَمَّلُهَا وَ يَنْظُرُ إِلَى خَلْقِهَا، وَ إِلَى وَجْهِهَا - قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ - إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا يَنْظُرُ إِلَى خَلْقِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا، (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۷۸)؛ حسن بن سَرّی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی قصد ازدواج با زنی را دارد؛ آیا جایز است در او دقت کند و به پشت او نگاه کند و به صورتش؟ امام پاسخ داد: اگر قصد دارد با او ازدواج کند، به پشت او و به صورتش نگاه کند».

البته این روایت در چاپ دار الحدیث الکافی و چاپ اسلامیة وسایل کلمه (خَلَقَهَا) هم در سؤال و هم در جواب با (فاء) به کار رفته است و به جای «خَلَقَهَا» کلمه «خَلَفَهَا» آمده است که آیت الله خویی هم در موسوعه خود به همین نسخه یعنی «خَلَفَهَا» استناد کرده است.<sup>۴</sup>

آیت الله خویی می‌گوید: بعضی این روایت را به «صحیحه» تعبیر کرده اند، در حالی که چون سند روایت ضعیف است، عمل به روایتش امکان ندارد. ما هم با وجود روایات صحیحه ذکر شده که به طور صریح بر مدّعا دلالت می‌کنند، از این روایت بی‌نیازیم، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۳).

شیخ انصاری می‌گوید: این روایت، در مقام بیان محدوده نگاه است؛ یعنی امام (ع) ابتدا «يَنْظُرُ» را به صورت مطلق بیان می‌کند و بعد با عبارت «يَنْظُرُ إِلَى خَلْقِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا»، آن را مقید می‌کند. بنابراین، مدلول روایت این است که فقط به خَلَف و وجه جایز است نگاه کند و نگاه به مو و غیره دارای اشکال است و در مقابل آیت الله سیّد محسن حکیم می‌گوید: چون امام (ع) در مقام پاسخ به سؤال است، این روایت در مقام تحدید نیست، (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۶).

آیت الله خویی در ردّ نظریه صاحب جواهر که از این روایت برای جواز نگاه به جمیع بدن زن استفاده می‌کند، می‌گوید: علاوه بر ضعف سندی این روایت، به دلیل وجود حَسَن بن السّری که وثاقتش ثابت نشده، از نظر دلالت هم این روایت، آن اطلاقی که

۴. عَنْ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ، يَتَأَمَّلُهَا وَ يَنْظُرُ إِلَى خَلْقِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا؟ قَالَ: «نَعَمْ، لَا بَأْسَ بِأَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا، يَنْظُرُ إِلَى خَلْقِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا»، (کلینی، ج ۱۰، ص ۶۷۹؛ حرّ عاملی، باب ۳۶، ص ۸۸).

شامل تمام بدن بشود را ندارد و از ظاهر عبارت «يَنْظُرُ إِلَى خَلْقِهَا» برمی‌آید که نگاه از روی لباس برای شناسایی حجم بدن باشد. از این رو، این روایت بر جواز نگاه به جمیع بدن دلالت ندارد، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۶).

و اما کلمه «خَلْقُهَا» در چاپ دار الحدیث الکافی را می‌توان به دو گونه معنا کرد: یا «خَلْقُهَا» با ضم خاء به معنای خُلق و خوی زن و مراد از آن، نگاه به خُلق و خوی زن و دَقّت و تأمل در اخلاق او باشد؛ و یا «خَلْقُهَا» با فتح خاء به معنای خلقت زن و مراد از آن، نگاه به اندام زن است. البته با این احتمال هم نمی‌توان آن توسعه‌ای را که منظور صاحب جواهر است از آن استفاده کرد و گفت که منظور، نگاه به اندام زن آن هم بدون پوشش است.

#### ۹-۶. موثقه یونس بن یعقوب

«يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ - وَ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا قَالَ تَحْتَجِزُ - ثُمَّ لَتَقْعُدَ وَ لَيَدْخُلُ فَلْيَنْظُرَ - قَالَ قُلْتُ: تَقُومُ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيْهَا قَالَ نَعَمْ - قُلْتُ فَتَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ مَا أَحَبُّ أَنْ تَفْعَلَ، (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۹۰، ح ۱۰)؛ روایت امام صادق (ع) در باره نگاه مرد که دوست دارد زن مخطوبه را ببیند فرمودند: او احتجاز کند و بنشیند و آن گاه مرد بر او وارد شود و او را ببیند. راوی سپس پرسیده است: آیا می‌شود زن در پیش مرد راه برود؟ امام پاسخ دادند: دوست ندارم زن چنین کند».

آیت الله خویی در مورد این روایت، تعبیر موثقه (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۷) و آیت الله فاضل از آن تعبیر به صحیحه کرده‌اند، (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۲).

در این روایت، اختلاف نسخه وجود دارد و کلمه «تَحْتَجِزُ» در کتاب وسائل الشیعه با «زاء» و در تهذیب الاحکام با «راء» آمده است. ماطوسی (ب)، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۴۸). اگر در روایت کلمه «تَحْتَجِزُ» به معنی لنگ بستن و جای لنگ بستن صحیح باشد، طبق نظر آیت الله خویی این روایت دلالت بر عدم جواز نگاه به تمام بدن زن مخطوبه می‌کند؛ چرا که اگر این نگاه، جایز بود، دیگر نیازی به لنگ بستن نبود، (خویی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۸). و اگر گفته شود که این روایت، بر جواز لخت شدن

۵. «يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ فَأَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا قَالَ تَحْتَجِزُ ثُمَّ لَتَقْعُدَ وَ لَيَدْخُلُ فَلْيَنْظُرَ قَالَ قُلْتُ تَقُومُ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيْهَا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَتَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ مَا أَحَبُّ أَنْ تَفْعَلَ، (محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، باب من الزیادات فی فقه النکاح، ص ۴۴۸).

غیرمحدوده از ناف تا زانو دلالت دارد، می‌توان گفت که عبارت امام (ع): «مَا أَحَبُّ أَنْ تَفْعَلَ» در آخر روایت بیانگر این است که امام (ع) از راه رفتن در پیش مرد اظهار نارضایتی کرد؛ پس چگونه ممکن است اجازه عریان شدن بدن زن را بدهند؟! و اما اگر طبق نسخه تهذیب الاحکام، عبارت «تحتجر» با «راء» را اخذ کنیم، یعنی زن حجره ای را برای ورود مرد انتخاب کند و مرد وارد شود که در این صورت، روایت بر لخت شدن تا لنگ هم دلالت ندارد؛ و اگر گفته شود که این روایت با دیگر روایات جواز نگاه که محدوده جواز نگاه را به وجه و کفین و مو اختصاص داده بودند، تعارض دارد، گفته می‌شود که آن روایات در حالت متعارف و عادی است که افراد با دیدن این مواضع مشکشان برطرف می‌شود و نیازی به دیدن بیش از آن نیست، ولی از قرینه مقامی این روایت و نحوه سؤال و جواب امام(ع) معلوم می‌شود که اگر مشکل افراد با دیدن آن مواضع حل نشد، حدّ اعلای جواز نظر بیان شده است، (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳۴). بنابراین، اگر برای روایاتی چون صحیحہ مسلم و غیره اطلاق فرض شود، این روایت و صحیحہ فضلا، اطلاق موجود در آن روایات را قید زده و حکم را به موارد مذکوره اختصاص می‌دهند، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۸).

آیت الله خویی در مورد معتبره بنظی<sup>۶</sup> که امام خمینی برای شرط نگاه به بدن زن از روی لباس نازک به آن استناد کرده‌اند، می‌گویند: حتی اگر از تعلیل مذکور در روایت هم چشم پوشی کنیم، باز این روایت، دلالت بر این نمی‌کند که منظور از ترقیق لباس، پوشیدن لباس نازک باشد؛ به گونه‌ای که پوست بدن معلوم باشد؛ چون معلوم نیست این گونه لباس‌ها در آن زمان وجود داشته باشد، بلکه ترقیق لباس به معنی کم کردن تعداد لباس است؛ یعنی این که تعداد لباس‌ها به گونه‌ای نباشد که حجم بدن مشخص نباشد؛ یعنی ازار و جلباب و غیره را بردارد؛ علاوه بر آن به کاربردن کلمه «ثیاب» به صورت جمع با تفسیر ما بیشتر سازگار است که منظور کم کردن تعداد لباس‌ها است؛ چرا که اگر غیر از این بود، به صورت مفرد به کار می‌رفت، (خویی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۷).

### نتیجه گیری

از مجموعه مباحث مطرح شده در این نوشتار نتیجه گیری می‌شود که نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، جایز است و در محدوده نگاه بین فقها اختلاف است که سه نظریه در بیان محدوده نظر مطرح شد که آیت الله خویی قائل به جواز نظر به وجه و کفین و مو و محاسن زن بودند که مستندات و ادله روایی ایشان ذکر شد که در جواز این نگاه، عدم قصد لذت و امکان

<sup>۶</sup> . الْبَرْظِي عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ - يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا قَالَ نَعَمْ - وَ تُرْفِقُ «۴» لَهُ الثِّيَابُ لِأَنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَشْتَرِيَهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ". (صدوق، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰)

فعلی ازدواج برای زن، احتمال حصول توافق و همچنین احتمال حصول آگاهی از خصوصیات زن و همچنین این که قصد ازدواج با زن خاصی داشته باشد را شرط می‌دانند. آیت الله خویی اذن و رضایت زن را در این نگاه شرط نمی‌داند و در سرایت و تعدی این حکم از مرد به زن اشکال جدی کرده‌اند.

## منابع

### قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، چ سوم، بیروت، نشر دارصادر.
- اصفهانی، ابوالحسن (۱۳۹۳ ق)، وسیله النجاة، ج ۳، چ اول، قم، چاپخانه مهر.
- امامی، حسن (۱۳۸۳ ش)، حقوق مدنی، چ هفدهم، تهران، اسلامیه.
- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ ق)، کتاب النکاح، چ اول، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بحرانی آل عصفور، یوسف، (۱۴۰۵ ق)، الحدایق الناظره فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ ق)، الصحاح، چ اول، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسایل الشیعة الی تحصیل مسایل الشرعیة، چ اول، قم، آل البيت عليهم السلام.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، (۱۴۰۹ ق) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم. امیر.
- حلی ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰ ق)، السرایر الحاوی لتقریر الفتاوی، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، (بی تا)، تحریر الاحکام علی مذهب الامامیه، چ اول، مشهد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی) (۱۳۸۸ ق)، تذکره الفقهاء، چ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حلی فخر المحققین، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ش)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- خامنه ای، سیدعلی حسینی (۱۳۸۸ ش)، اجوبة الاستفتاءات، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- خمینی، روح الله موسوی (۱۳۷۴ ش)، تحریر الوسیلة، چ اول، قم، مطبوعات دار العلم.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۰ ق)، موسوعة الامام الخوئی، قم، نشر مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق)، مبانی عروة الوثقی، کتاب النکاح، چ ششم، قم، منشورات مدرسه دار العلم.

- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش)، مفردات الفاظ القرآن، چ دوم، تهران، نشر مرتضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چ اول، بیروت، نشر دار القلم.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۶ق)، نظام النکاح فی الشریعۃ الاسلامیۃ الغراء، چ اول، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع).
- سبزواری، محمدباقر، (۱۴۲۳ق)، کفایۃ الاحکام، چ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۴۰ق)، منهاج الصالحین، چ اول، مشهد مقدس، پیام طوس.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر، (۱۴۱۷ق)، دلیل تحریر الوسیله، الستر و الساتر، چ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شبییری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، (۱۴۱۹ق)، چ اول، قم، نشر مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر نشر اسلامی.
- طباطبائی، سیدعلی محمد (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم، آل البيت (ع).
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، چ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی (الف)، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی (ب)، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، چ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۰ق)، النهایۃ فی مجرد الفقه و الفتاوی، چ دوم، بیروت، دار الکتب العربی.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۲ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۷، چ اول، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- عبد المنعم، محمود عبدالرحمان، (۱۴۱۹ق)، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیة، قاهره، دار الفضیلة.
- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۲۸ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، کتاب النکاح، چ سوم، قم، مرکز فقه ائمه اطهار (ع).
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، چ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، چ دوم، قم، هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، القاموس المحیط، چ اول، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.

کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی)، (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چ دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

مجلسی، محمدتقی، (مجلسی اول)، (۱۴۰۶ق)، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیپور.

محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۷ش)، بررسی فقهی حقوق خانواده، چ پانزدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی. محمدی طاهرعلی و سعیده رضایی، (۱۳۹۴ش)، «بررسی فقهی نگاه به نامحرم به قصد ازدواج و حکم آن»، مجله پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، ش پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش.

مشکینی اردبیلی، میرزا علی (۱۳۹۲ش)، مصطلحات الفقه، قم، دارالحديث.

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چ سوم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۵ش)، مسأله حجاب، تهران، صدرا،

مفید عکبری، حمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، (۱۴۱۰ق)، المقنعة، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، چ اول، قم، مدرسه علی ابن ابیطالب علیه السلام.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چ هفتم، قم، دار احیاء التراث العربی.